

Strategies for Countering Western Hybrid Warfare Against the Islamic Republic of Iran

Mohammad Hadi Raji* 

Faculty Member of the Institute for
Strategic Studies, Tehran, Iran

Asghar Eftekhari 

Professor, Political Sociology, Imam
Sadiq University, Tehran, Iran

Introduction

The concept of hybrid warfare is a framework for studying the various components of Western pressure and conflict against the Islamic Republic of Iran. In this respect, examining strategies to confront hybrid warfare can provide both theoretical and practical insights for relevant elites and officials. This research aimed to answer the question: What are the strategies to counter the Western hybrid warfare against the Islamic Republic of Iran? The significance of this study lies in two main aspects: first, its approach and theoretical framework, which emphasizes the integration of countermeasures, and second, its operational relevance, which offers practical guidance for officials.

* Corresponding Author: raji@riss.ac.ir

How to Cite: Hadi Raji, M & Eftekhari, A. (2025), "Strategies for Countering Western Hybrid Warfare Against the Islamic Republic of Iran", *Political Strategic Studies*, Vol. 14, No. 52, 117-154.

Doi: [10.22054/QPSS.2024.77068.3350](https://doi.org/10.22054/QPSS.2024.77068.3350)

Literature Review

In *Hybrid Wars*, McCulloh and Johnson (2013) provided a comprehensive description of the literature and dimensions of hybrid warfare, addressing the deficiencies in the definition and application of hybrid conflict theory. In the Persian-language book titled *Cognitive Warfare: The Fifth Dimension of War*, Mohammadi-Najm (2015) explored evolutionary theories related to the future of warfare, with a particular focus on the human mind. In *The Tragedy of Fourth-Generation Warfare*, Ghorbani-Zavareh (2017) examined the nature of hybrid warfare within the context of fourth-generation warfare. The article “Examining and Understanding Hybrid Threats From the Perspective of Modern Warfare” (Koochaki-Badelani, 2010) discussed hybrid threats as the primary strategy employed by the West in conflicts and political-security struggles in the Middle East. In “Complex Irregular Warfare: The Next Revolution in Military Affairs,” Hoffman (2006) criticized America’s classical approach to warfare, emphasizing the transformation of warfare patterns. Concerning the Iranian context, Raji’s Ph.D. dissertation titled *Western Hybrid Warfare against the Islamic Republic of Iran: Dimensions and Methods* (2023) used the hybrid warfare framework to analyze the Western warfare against the Islamic Republic of Iran. In “Components of Saudi Arabia’s Hybrid Warfare Against the Islamic Republic of Iran (2015–2017),” Pourhasan (2017) examined Saudi Arabia’s measures and policies against the Islamic Republic of Iran, using the hybrid warfare framework. Moreover, “The Complexity Theory and Foreign Policy: Iran’s Strategies in West Asia” (Qasemi & Faraji, 2018) explored Iran’s strategies in the region by using complexity theory. Most of the works discussed above are subject to two main criticisms. First, many of the mentioned works do not focus on the Western hybrid warfare against the Islamic Republic of Iran. Second, the studies that do address this subject predominantly describe the application of this form of warfare, with less attention given to strategies for countering it. Therefore, the innovation of the

present research lies in two aspects: first, it is directly concerned with the Western hybrid warfare against the Islamic Republic of Iran, and second, it addresses strategies for countering the hybrid warfare.

Materials and Methods

This study is considered a qualitative, exploratory inquiry with both developmental and applied aspects, as it tried to address hybrid warfare from two perspectives: first, from a theoretical and conceptual standpoint, focusing on the development of frameworks for understanding hybrid warfare, and second, from a practical standpoint, examining strategies for countering the Western hybrid warfare against the Islamic Republic of Iran. As a result, the findings of this study are valuable for two groups: researchers in the field of hybrid warfare and practitioners facing hybrid warfare in operational settings. The data was collected through documentary and qualitative methods, and a descriptive–analytical approach was used to analyze the data.

Results and Discussion

This research highlighted the interconnected and systemic nature of strategies designed to counter the Western hybrid war against the Islamic Republic of Iran, which can be referred to as the strategy for countering hybrid warfare. The strategies for countering the Western hybrid warfare were analyzed through three frameworks: situational, methodological, and approach-based. It is crucial to consider the interdependence of these three frameworks when designing macro, semi-macro, and micro strategies. In macro strategies, the primary focus is on restoring Iran's role in the new world order. This process arises from the synergistic integration of two key geopolitical and geoeconomic components, emphasizing the significance of the Iranian idea and narrative on the world's transition. In semi-macro strategies, the focus shifts to an institutional review of Iran's governance structures and efforts to promote good governance grounded in local

contexts. In micro strategies, the emphasis is on the government's ability to act in the gray area, guiding the components of a gray network in a purposeful manner.

Conclusion

Adopting a systemic and complex perspective on hybrid warfare, while avoiding a non-systemic and linear approach, is crucial for effectively countering the Western hybrid warfare against the Islamic Republic of Iran.

Keywords: Hybrid Warfare, West, Islamic Republic of Iran, Countermeasures





راهکارهای مقابله با جنگ ترکیبی غرب علیه جمهوری اسلامی ایران

عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، ایران

محمد هادی راجی * 

استاد جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران

اصغر افتخاری 

چکیده

یکی از چارچوب‌های بررسی یکپارچه مؤلفه‌های فشار غربی‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران چارچوب جنگ ترکیبی است. در این راستا بررسی چگونگی راهکارهای مقابله با این نوع از جنگ می‌تواند دارای کاربردهای نظری و عملیاتی برای نخبگان و مسئولان ذی‌ربط باشد. پرسش اصلی این است که راهکارهای مقابله با جنگ ترکیبی غرب علیه ج.ا.ا چیست؟ مقاله از دو حیث رویکردی و عملیاتی از اهمیت برخوردار است، از حیث رویکردی و نظری به یکپارچگی راهکارهای مقابله نظر دارد و از حیث عملیاتی می‌تواند برای مسئولان مرتبط با جنگ ترکیبی کارگشا باشد. این تحقیق از نوع اکتشافی بوده و فرضیه‌آزما نیست. برای گردآوری داده‌ها، از تکنیک اسنادی استفاده شده و برای تحلیل داده‌ها نیز از روش کیفی بهره‌برده شده است. یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که راهکارهای مقابله با جنگ ترکیبی غرب علیه ج.ا.ا در سه سطح کلان (طراحی تصویر و بازطراحی نقش بین‌المللی ایران)، نیمه‌کلان (تلاش برای سیاستگذاری پایا) و خُرد که در سطوح تکنیکی قابل پردازش است قرار دارد.

واژگان کلیدی: جنگ ترکیبی، غرب، جمهوری اسلامی ایران، راهکارهای مقابله.

مقدمه

جمهوری اسلامی ایران همواره در معرض فشارهای مختلف غرب قرار داشته و دارد، روندی که روز به روز از پیچیدگی بیشتری نیز برخوردار شده است. در این میان، ادراک این مؤلفه‌های به ظاهر پراکنده علیه ج.ا.ا، ضمن چارچوب‌های مدرن و سازمان‌دهنده جنگ از جمله چارچوب جنگ ترکیبی می‌تواند کشور را در طراحی راهکارهای مقابله با این نوع از جنگ یاری کند. در این مقاله با در نظر گرفتن مؤلفه‌های فشار بر ج.ا.ا در ذیل جنگ ترکیبی، تلاش شده است تا به راهکارهای مقابله با این نوع از جنگ پرداخته شود. پرسش اصلی این است که راهکارهای مقابله با جنگ ترکیبی غرب علیه ج.ا.ا چیست؟ پژوهش از دو حیث دارای اهمیت است: نخست از حیث رویکردی و نظری که به یکپارچگی راهکارهای مقابله نظر دارد و از حیث عملیاتی که می‌تواند برای مسئولان ذی‌ربط دارای دلالت‌های عملیاتی باشد. این پژوهش از نوع اکتشافی بوده و فرضیه‌آزما نیست. مفروض این تحقیق نیز آن است که جنگ غرب علیه ج.ا.ا را نوعی از جنگ ترکیبی می‌داند.

روش تحقیق

مقاله از حیث نوع، توسعه‌ای و کاربردی می‌باشد، چرا که در مقام تبیین اهمیت همبسته بودن راهکارهای مقابله با جنگ ترکیبی غرب است و همچنین دارای دلالت‌های عملیاتی می‌باشد. برای گردآوری داده‌ها، از تکنیک اسنادی استفاده شده و برای تحلیل داده‌ها نیز از روش کیفی و تکنیک فریمینگ و تحلیل مستمر^۱ بهره برده شده است که در متن اثر و خروجی آن قابل مشاهده است.

بیان مسئله

تنوع فشارهای مختلف غرب بر ج.ا.ا از سویی به تولید فشار راهبردی بر ج.ا.ا منجر شده است و از سویی دیگر کثرت مؤلفه‌های فشار می‌تواند به ادراک شلخته و غیرسامان‌مند طرف ایرانی از این وضعیت منجر شود، این در حالی است که بر پایه قواعد جنگ ترکیبی در وضعیت پیچیدگی سیستم، توالی و تنوع مؤلفه‌های فشار، بخشی از فرایند انتظام‌یافته

1. Ongoing Analysis

جنگ ترکیبی برای مقابله با بازیگران هدف است. در این راستا، پژوهش‌های مختلفی درباره چستی جنگ ترکیبی مورد تحریر قرار گرفته است اما این که چگونه می‌توان به مقابله با جنگ ترکیبی و مخصوصاً جنگ ترکیبی غرب علیه ج.ا.ا مبادرت کرد پرسش مهمی است که پژوهش‌های متنوع دیگری را طلب می‌کند. از این‌رو در این مقاله سعی شده است ضمن توجه به چارچوب پیچیده جنگ ترکیبی غرب علیه ج.ا.ا به ترسیم چارچوب راهکارهای مقابله با آن پرداخته شود.

پیشینه و نوآوری تحقیق

در مقاله «جنگ‌های ترکیبی» (مک کالو و جانسون، ۱۳۹۵) به پردازش نارسایی در تعریف و کاربرست نظریه درگیری هیبریدی پرداخته شده است. در مقاله «جنگ شناختی بُعد پنجم جنگ» (محمدي نجم، ۱۳۸۷) به پردازش نظریه‌های تکاملی در رابطه با جنگ آینده با محوریت ذهن انسان اشاره شده است. در کتاب *تراژدی نسل چهارم جنگ* (قربانی زواره، ۱۳۹۶) به بررسی ماهیت جنگ هیبریدی در نسل چهارم جنگ مبادرت شده است. در مقاله «بررسی و شناخت تهدیدات ترکیبی از منظر جنگ مدرن» (کوچکی بادلانی، ۱۳۸۹) به پردازش تهدید هیبریدی به مثابه مهم‌ترین شیوه برگزیده و مورد استفاده غرب در نبردها و کشاکش‌های سیاسی - امنیتی خاورمیانه اشاره شده است. در مقاله «جنگ‌های نامنظم پیچیده: انقلاب بعدی در امور نظامی» (هافمن، ۲۰۰۶) به انتقاد از نبرد کلاسیک آمریکا با تأکید بر تغییر الگوهای جنگ پرداخته شده است. در رساله دکتری «الگوی جنگ ترکیبی غرب علیه ج.ا.ا» (راجی، ۱۴۰۲) به تحلیل الگوی جنگ ترکیبی غرب علیه ج.ا.ا مبتنی بر چارچوب پیچیدگی سیستم و نظریه کوانتومی پرداخته شده است. بیشتر آثار بررسی شده در بالا از دو حیث محل نقد هستند: از حیث نخست بسیاری از آثار مذکور به بررسی جنگ ترکیبی غرب علیه ج.ا.ا مربوط نمی‌شوند و از حیث دوم نیز آن دسته از آثاری که به جنگ ترکیبی غرب علیه ج.ا.ا مربوط می‌شوند بیشتر به توصیف وضعیت کاربرست این نوع از جنگ پرداخته‌اند و پردازش راهکارهای مقابله با این نوع از جنگ کمتر مورد توجه این دسته از آثار بوده است؛ لذا نوآوری مقاله این است که اولاً به موضوع جنگ ترکیبی غرب علیه ج.ا.ا مربوط است و دوم آن که به راهکارهای مقابله با این نوع از جنگ پرداخته است.

مفاهیم تحقیق

الف- جنگ ترکیبی

جنگ ترکیبی معادل "Hybrid Warfare" در زبان انگلیسی است. این کلمه هنگامی که به عنوان صفت قرار می‌گیرد به معنای چیزی است که دارای ویژگی‌های مختلط یا متشکل از اجزای مختلف باشد (فرهنگ لغت آنلاین آکسفورد). جنگ ترکیبی در زبان عربی «الحرب الهجینه» خوانده می‌شود. کلمه هجین نیز در عربی در اشاره به گیاهان پیوندی، مواد متشکل از چند بخش، جانوران دورگه و ... استفاده می‌شود (فرهنگ لغت آنلاین المعانی). این لغت در زبان روسی معادل عبارت "Гибридная война" است. در این تعبیر نیز ویژگی ترکیب ویژگی‌ها و پیوند نژادی وجود دارد؛ لذا به طور کلی ترکیب ویژگی‌های مختلف جنگ‌های مختلف و پیوند آنها در جنگ ترکیبی از محوریت برخوردار است.

اصطلاح جنگ ترکیبی پس از الحاق کریمه به روسیه در سال ۲۰۱۴ در محافل راهبردی و همچنین رسانه‌ها مورد توجه قرار گرفت (Reichborn-Kjennerud & Cullen, 2016: 1). برخی بر این باورند که این مفهوم دلالت بر استفاده مسکوز از طیف گسترده‌ای از ابزارهای خرابکارانه که بسیاری از آنها غیرنظامی هستند دارد که در جهت پیشبرد منافع ملی روسیه مورد کاربست قرار می‌گیرد (Chivvis, 2017: 1). برخی نیز بر این باورند که اصطلاح جنگ هیبریدی در آغاز قرن بیست و یکم ظاهر شد، زمانی که ارتش‌های غربی در گیر محیط‌های عملیاتی پیچیده و چالش برانگیزی در افغانستان و عراق شدند (Huovinen, 2011: 50) و برخی دیگر نیز بر این باورند که استفاده از عبارت جنگ ترکیبی برای توصیف عملکرد روسیه ناشی از عملیات انحرافی غرب در جهت ایجاد سوءظن نسبت به روسیه است. تعریف مختار این پژوهش از جنگ ترکیبی عبارت است از: به کارگیری هماهنگ، پویا، زمینه‌مند و طولانی مدت ابزارهای مختلف و متناسب نبرد برای فشار علیه نقاط (بیشتر) آسیب‌پذیر بازگر هدف به نحوی که توانایی تولید چرخه درد یادگیرنده، تسری بخش و هم‌افزا را داشته باشد و بتواند با استفاده از فناوری‌های ارتباطاتی و بر پایه مزیت‌ها و برتری‌های نظامی، اطلاعاتی و امنیتی و هنر تصویرسازی سوگیرانه، پیچیدگی هم‌افزا و تولید آشوب به ایجاد تأثیرات سیاسی و شناختی در محیط حکمرانی،

ادراک، یادگیری، محاسبه و تصمیم بازیگر هدف نیل پیدا کرده و با ساخت فضای ترکیبی، ایجاد وضعیت ترکیبی و در نهایت اثرگذاری ترکیبی موفق به ایجاد اختلال در سیستم حکمرانی بازیگر هدف و موقتی سازی آن، مدیریت دستگاه شناختی و تغییر رفتار بازیگر در سطح ملی و بین‌المللی و در نهایت شکست ایده یا نظام حکمرانی آن در سطح سیاسی شود (راجی، ۱۴۰۲).

ب- غرب

منظور از غرب در این پژوهش غرب هژمونیک و هارمونیک است. در این رویکرد، غرب به مثابه یک پدیده هژمون و سلطه طلب و براساس کلیت گفتمانی، سیاسی و راهبردی آن مد نظر قرار دارد. هژمونیک بودن این پدیده براساس دو ملاحظه مهم تعریف می‌شود که عبارتند از: نخست؛ پراکنش^۱ و چندپارگی^۲ قدرت در جهان که منجر به کثرت و پراکندگی عناصر سهم در ساخت غرب شده است و دوم، ویژگی هماهنگی بین این عناصر پراکنده است.

پ- طراحی چارچوب‌های مقابله با جنگ ترکیبی غرب علیه جمهوری اسلامی ایران

به صورت اولیه و دائمی نمی‌توان راه‌حل‌های مشترک و قابل تجویز عمومی برای مقابله با جنگ ترکیبی ارائه داد و مقابله با هرگونه جنگ و تهدید ترکیبی، وابستگی زیادی به موقعیت و وضعیت خاص وقوع آن دارد (Bazarkina, 2022: 315)؛ از این رو اگرچه درس گرفتن از تجارب سایر بازیگران در این عرصه از اهمیت بسیار ضروری برخوردار است اما نمی‌توان به صورت کامل به کاربست الگوهای سایر بازیگران در این زمینه مبادرت کرد؛ لذا راهکارهای مقابله با این نوع از جنگ از ترکیب چارچوب‌های متعارف و عمومی با چارچوب انحصاری و متناسب با هر بازیگر و بافت آن ساخته می‌شود و موضوع یادگیری و ابتکار در آن از نقش اساسی برخوردار است. برای مقابله با جنگ ترکیبی باید تا جای ممکن از ایجاد روابط هارمونیک بین بازیگران و عناصر غرب و ساخت فضای ترکیبی

1. Diffusion of Power
2. Fragmentation of Power

توسط دشمن ممانعت کرد و در غیر این صورت مبارزه با وضعیت ترکیبی و مقابله برای کاهش اثرگذاری ترکیبی بازیگر مهاجم سخت خواهد بود. موضوعی که در طراحی استراتژی نقش ناتو در مقابله با جنگ ترکیبی^۱ نیز قابل مشاهده است. ناتو در اواخر سال ۲۰۱۵ از استراتژی یکپارچه نقش خود در مقابله با جنگ ترکیبی رونمایی کرد. این استراتژی شامل سه بخش آماده‌سازی^۲، بازدارندگی^۳ و دفاع^۴ است. در بخش آماده‌سازی، محوری‌ترین اقدام؛ طراحی سازوکار تجزیه و تحلیل ترکیبی و جمع‌آوری، تحلیل و اشتراک دائمی اطلاعات و داده‌های متنوع و پراکنده در رابطه با تهدیدات ترکیبی بالقوه و بالفعل است، به نحوی که اطلاعات، داده‌ها و کنش‌های پراکنده به صورت یکپارچه معنا شود و آگاهی ترکیبی و دائمی نسبت به محیط، بازیگران و سایر مؤلفه‌ها برقرار باشد. در بخش بازدارندگی نیز ناتو تلاش دارد تا با بازطراحی و تقویت ساختاری و نهادی و همچنین تقویت و گسترش جعبه‌ابزارهای خود بتواند آمادگی و چابکی در تصمیم و اقدام را فراهم نماید و توانایی خود را برای استقرار نیروها در زمان، مکان و با سرعت مناسب فراهم امکان بازدارندگی یکپارچه و سینرژیک خود را با استفاده از مؤلفه‌های نظامی و غیرنظامی تقویت کند. در صورتی که بازدارندگی نیز با موفقیت همراه نشود ناتو در پی آن است که بتواند برای دفاع از متحدین خود در عرصه‌های مختلف به صورت سریع و چابک وارد عمل میدانی شود (Rühle & Roberts, 2019: 62-65). در این میان و با مطالعه ادبیات موجود در رابطه با راهکارهای مقابله با جنگ ترکیبی می‌توان سه چارچوب کلی را در این باره مورد پردازش قرار داد:

الف - چارچوب‌های وضعیتی

منظور از چارچوب‌های وضعیتی، سطوح وضعیتی چهارگانه مقابله با جنگ ترکیبی است که وضعیت بازدارندگی ترکیبی را مشخص می‌کند. چهار سطح وضعیتی (Qureshi, 2020: 203-205) عبارتند از: نخست، امکان ارزیابی عملکرد ترکیبی خود و دشمنان و تشخیص محیط و وقوع جنگ ترکیبی با استفاده از شاخص‌های هشداردهنده و متناسب با

1. Strategy on NATO's Role in Countering Hybrid Warfare
2. Prepare
3. Deter
4. Defend

محیط خاکستری^۱، دوم: ارزیابی دائمی نقاط آسیب‌پذیری خود و بازیگر مهاجم با تأکید بر نقاط اولویت‌دار و تلاش برای بهبود سیستمی آسیب‌پذیری‌های خود^۲، سوم: جلوگیری از ساخت فضای ترکیبی و کاهش قدرت سینرژیک آن از طریق شالوده‌شکنی نقاط هم‌افزایی بین مؤلفه‌ها^۳ که نیازمند داشتن همکاران و شرکای بین‌المللی است (Keršanskas, 2020: 8). چهارم: آمادگی برای پاسخ به تهدید یا جنگ ترکیبی متناسب با محیط خاکستری با طراحی اهداف سطح‌بندی شده، مشخص و با بازدارندگی مؤثر^۴. «بازدارندگی مؤثر، انعطاف‌پذیری و واکنش به بحران را با توانایی تحمیل هزینه بر بازیگران متخاصم ترکیب می‌کند» و بر تقدم پیشگیری بر پاسخ تأکید داشته، مدلی که رویکردهای آینده‌نگرانه، استراتژیک و فضا‌محور را در مقابله با جنگ ترکیبی مد نظر دارد (Keršanskas, 2020: 7).

ب- چارچوب‌های روشی

در ساحت روشی، یکی از مفاهیم و چارچوب‌های پرتکرار و مهم برای مقابله با جنگ ترکیبی به روش حکمرانی و ابعاد مختلف آن مربوط می‌شود. حوزه انسجام اجتماعی و دولتی، مشروعیت حکومت و کارآمدی حکمرانی از جمله مفاهیمی هستند که در راهکارهای روشی از اهمیت برخوردار هستند.^۵

پ- چارچوب رویکردی

جنگ ترکیبی از آن‌رو که بر پایه یک بازی کوانتومی، پویا، پیچیده و یکتا نسبت به هر بازیگر طراحی می‌شود نمی‌تواند در رویکردهای غیر یادگیرنده و غیرخطی معنا شود؛ در این راستا «رویکرد انطباق تکرارشونده مسئله‌محور»^۶ به عنوان یکی از رویکردهای تنظیم‌کننده در طراحی راهکارهای مقابله با جنگ ترکیبی مد نظر این مقاله قرار گرفته است. این مفهوم که با عنوان اختصاری (PDIA) شناخته می‌شود رویکرد جدیدی در

1. Hybrid Warfare Detection Power

2. Assessment of Vulnerabilities in Hybrid Warfare

3. Deterrence in Hybrid Warfare

4. Responding to Hybrid Warfare

۵. برای مطالعه بیشتر در این زمینه رجوع شود به (Galeotti, 2015).

6. Problem-Driven Iterative Adaptation (PDIA)

مواجهه با پیچیدگی مسائل و راه‌حل‌های آنها در جوامع مدرن محسوب می‌شود. این رویکرد به عنوان رویکرد چهارم حل مسئله در دنیای مدرن ارائه شده است و در ادامه سه رویکرد حکمرانی و سیاست‌گذاری پیش از خود قرار دارد. سه رویکرد پیشین به ترتیب به دولت فراگیر و قوی، دولت کوچک با محوریت بازار و در نهایت رویکرد حکمرانی خوب توجه داشتند. آنچه در این سه رویکرد «دولت بزرگ یا کوچک و حکمرانی خوب مشاهده می‌شود این مسئله است که در همه آنها الگوها و راه‌حل‌هایی واحد برای تمامی کشورها و مناطق و برای حل مسائل گوناگون پیشنهاد می‌شود؛ به گونه‌ای که گویا در همه جا مسائل به ظاهر مشترک ریشه‌های یکسانی داشته و باید مسیر یکسانی را نیز برای رفع آنها پیمود» (زمان و عادل، ۱۴۰۰: ۸)، در حالی که رویکرد چهارم در تناسب با گذار کوانتومی، مسئله پیچیدگی و ترکیبی سازی محیط شکل گرفته است. این رویکرد که توسط پژوهشگران مرکز توانمندسازی دولت در دانشگاه هاروارد^۱ ارائه شده است بر اهمیت شناخت دقیق مسئله پیش از ارائه راه حل، اهمیت بافت هر بازیگر در شناخت مسئله و راه حل، یادگیری و سیاست گذاری پویا و رفتار هارمونیک تأکید دارد، فرایندی که در ارائه راهکارهای مقابله با جنگ ترکیبی از اهمیت^۲ برخوردار است و مسیر مواجهه با مسئله را به مثابه یک سفر اکتشافی یادگیرنده (Andrews, Pritchett & Woolcock, 2017: 20) در نظر می‌گیرد که راه‌حل‌های ترکیبی در آن از اهمیت برخوردار است (Andrews, Pritchett & Woolcock, 2017: 175).

مقابله با جنگ ترکیبی نیازمند بازنگری در نوع مواجهه با مسائل پیچیده جامعه مدرن است. مسائل پیچیده به ظاهر مشابه در جوامع مدرن لزوماً مشابه نیستند و غالباً نمی‌توان راهکارهای دقیقاً یکسان و دائمی را برای آنها تجویز کرد. این رویکرد به مثابه یکی از

1. Building State Capacity Center for International Development at Harvard University.

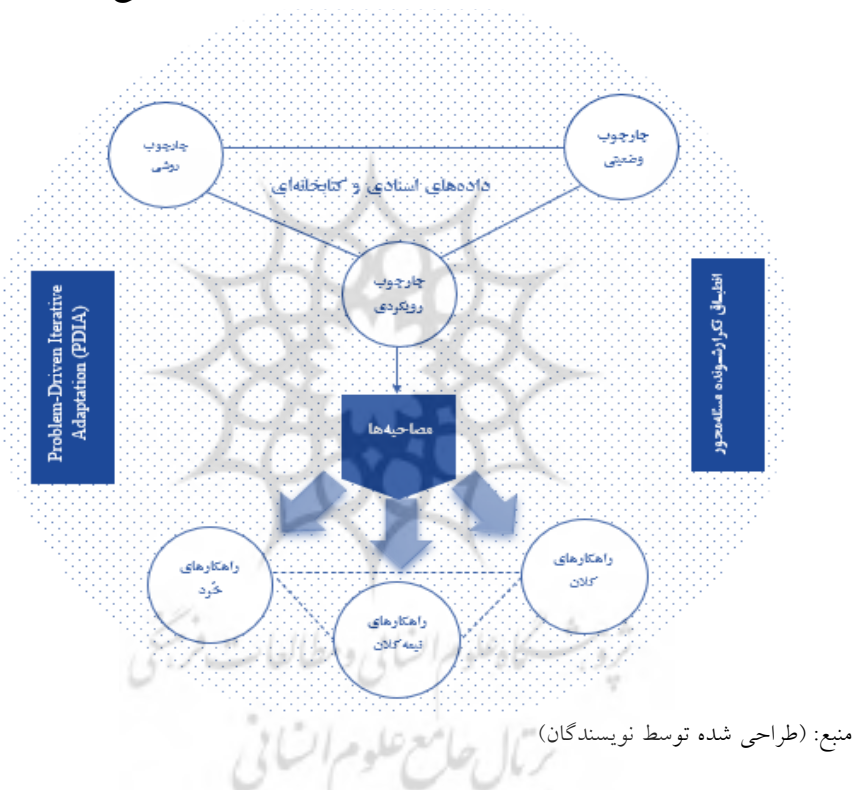
2. (PDIA) is a process of facilitated emergence. It focuses on problems, not solutions. It follows a step by step process (not a rigid plan) that allows for flexible learning and adaptation. (<https://beamexchange.org/resources/1057/>).

برای آشنایی بیشتر با رویکرد (PDIA) رجوع شود به (Andrews, Pritchett & Woolcock, 2017) و ترجمه

فارسی آن (خیرخواهان و درودی، ۱۳۹۸) و همچنین رجوع شود به (زمان و عادل، ۱۴۰۰: ۵).

رویکردهای نو در پویاسازی نظام یادگیری و سیاست‌گذاری چندسطحی از اهمیت برخوردار است، فرایندی که می‌تواند تا حدودی دغدغه توجه به شناوری، هارمونی و بافترمند بودن جنگ ترکیبی نسبت به هر بازیگر را مد نظر قرار دهد، از تجویزهای عمومی، کلی و غیرپویا اجتناب کند و سه حوزه حکمرانی، شناختی و سیاسی را در کنار یکدیگر ادراک کند.

شکل شماره ۱- راهکارهای مقابله با جنگ ترکیبی غرب علیه ج.ا.ا.



چارچوب وضعیتی با عطف توجه به حوزه بازدارندگی ترکیبی، چارچوب روشی با عطف توجه به حوزه سیاستی و حکمرانی، چارچوب رویکردی با عطف توجه به پویایی و سیالیت مقابله با جنگ ترکیبی به عنوان سه منبع الهام‌بخش در طراحی راهکارهای مقابله با جنگ ترکیبی مدنظر این پژوهش قرار دارند. رویکرد انطباق تکرار شونده مسئله‌محور به معنای طراحی یک فراورده متمایز در طراحی نیست بلکه به معنای یک فرایند بومی و

متناسب با بازیگر است که به فراورده‌های متناسب نیز نیل پیدا می‌کند.

راهکارهای کلان

منظور از راهکارهای کلان مقابله با جنگ ترکیبی غرب علیه ج.ا.ا، آن دسته از راهکارهایی است که بستر اصلی جنگ ترکیبی را مد نظر دارد. طراحی بسته توسعه و پیشرفت کشور بر پایه تصویر انسجام‌بخش و کلان را می‌توان محوری‌ترین مفهوم در حوزه راهکارهای کلان مقابله با جنگ ترکیبی در نظر گرفت. توسعه و پیشرفت یک کشور در ابعاد مختلف مادی و معنوی می‌تواند یکی از مهم‌ترین عوامل بازدارنده از ساخت فضای ترکیبی علیه ج.ا.ا باشد. در ادامه سعی می‌شود با استفاده از رویکرد مدنظر مقاله به بایسته‌ها و مقدمات طراحی این نوع از بسته توسعه که بازدارنده از جنگ ترکیبی باشد اشاره شود:

الف- توسعه بر پایه تصویر از آینده

یکی از بسترهای اصلی جنگ ترکیبی غرب علیه ج.ا.ا که مانع توسعه و ایجاد قدرت سینرژیک در نهاد دولت در ایران شده است، فقدان آگاهی موقعیتی، تاریخی و هویتی از چیستی و مفهوم ایران در سطح ملی است. این فقدان در سه بُعد اختلال آگاهی و شناخت نسبت به گذشته و تاریخ ایران، اختلال در ادراک از حال و اختلال در تصویر مدنظر از آینده ایران قابل پردازش است. این که ایران چیست؟ از چه چیزی نمایندگی می‌کند؟ در کجا قرار گرفته؟ چه ظرفیتی دارد؟ نقش آن در جهان گذشته، کنونی و جهان آینده چیست و چه باید باشد؟ همکاران و رقبای آن چه کسانی هستند؟ رو به سوی کجا دارد؟ و در نهایت این پرسش که نوع عملکرد نهاد سیاسی در ایران چه ربطی به آنچه که می‌خواهد و یا باید باشد دارد؟ را می‌توان از جمله پرسش‌هایی پنداشت که پاسخ به آنها در یک بستر مورد وفاق نسبی از اهمیت برخوردار است. آگاهی ترکیبی و تعریف چیستی ایران را می‌توان کلید متدولوژیک ورود به این حوزه کلان دانست، تعریفی که از وفاق اجتماعی برخوردار باشد و شناخت^۱، ادراک^۲ و تصویر^۳ واقعی و مشخصی از ایران ارائه دهد. یکی از ویژگی‌های مهم جنگ ترکیبی در پراکنده‌سازی ظرفیت‌ها و توانمندی‌های جامعه هدف

1. Cognition
2. Perception
3. Image

در اثر فشار متمرکز و هم‌افزا^۱ است و تعریف نسبتاً وفاق‌آمیز از گذشته، حال و مخصوصاً از آینده ایران از نخستین گام‌های نیل به سوی انجام اقدامات راهبردیِ سینرژیک و گسیلِ ظرفیت‌های پراکنده برای توسعه ایران است.

ب- لزوم بازتعریف نقش بین‌المللی ایران

توسعه کشور به ترکیب دو بال داخلی و خارجی نیاز دارد. نقش و هویت بین‌المللی ایران یکی از مهم‌ترین عوامل کیفیت بال خارجی توسعه محسوب می‌شود. نقش بین‌المللی ایران در چند دهه گذشته و پیش از انقلاب اسلامی تا زمان کنونی بر اساس فروش نفت و رفع نیازهای کشور از طریق چرخه دلاری معنادار شده است. این تعریف نهادینه شده از ایران، علاوه بر آنکه دلالت‌های معناداری در نوع نقش بین‌المللی ایران و نوع نظام حکمرانی داخلی دارد، به دلایل مختلفی از جمله ورود نفت شیل آمریکا به بازار و کاهش اهمیت نفت ایران، سیاست‌های گردش به شرق آمریکا، تغییرات فناورانه در حوزه انرژی و ... دیگر نمی‌تواند در شرایط و زمان کنونی راه‌گشای توسعه ایران و مقابله‌کننده با جنگ ترکیبی غرب باشد؛ این در حالی است که هنوز هم نگاه به نقش بین‌المللی ایران و ساختار حکمرانی آن، مشابه روند تاریخی خود و بر پایه اقتصاد نفتی قرار دارد، در حالی که تحولات و شرایط بین‌المللی امکان بازی کردن مجدد در این نقش را به ایران نمی‌دهد. ورود درآمد نفتی به کشور، تخصیص انضباطی بودجه از سازمان برنامه و بودجه و ایجاد نهادها، سازمان‌ها و سازوکارهای عمودی متراکم برای هماهنگ‌سازی سازه‌های ناهمگون سیاست‌گذاری، تقنین، اجرا و نظارت باعث اختلال کارکردی سیستم حکمرانی شده است. این فرایند معیوب، متراکم و کم‌کیفیت، به جای حکمرانی متمرکز به روش هماهنگ‌سازی سازه‌های ناهمگون حکمرانی کشور روی آورده است و علاوه بر پیچیده‌سازی وضعیت بروکراسی در ایران، باعث شده تا ناکارآمدی، فساد و عدم پاسخگویی رواج پیدا کند و توانایی گسیل و هم‌افزایی و چابکی نظری و عملی به شدت با اختلال مواجه و فضا برای

موفقیت جنگ ترکیبی و فشار سینرژیک طرف غربی فراهم‌تر شود.^۱ در همین فرایند، بازتعریف ایران بر پایه آگاهی ترکیبی و بازتعریف نقش بین‌المللی آن به‌مثابه عامل ضروری و راهگشا در بازبینی روابط ایران با دنیا و قدرت‌های بزرگ و همچنین عامل مهم ممانعت از پایایی و تشدید تحریم‌های غرب و عنصر بازدارنده از جنگ ترکیبی علیه ایران محسوب می‌شود.

در تحلیل این فرایند، باید به رقابت جهانی قدرت‌های بزرگ و در صدر آنها نوع رابطه چین - آمریکا و فضای ارتباطی بین چین، هند، روسیه، اروپا و آمریکا توجه شود. وضعیتی که در حال حاضر بین آمریکا و چین وجود دارد، گویای آن است که آمریکا به دنبال بی‌معناسازی، تخریب و یا کنترل هوشمندانه مسیرهای اصلی ابتکار کمربند و جاده چین^۲ به‌خصوص در محل تلاقی منافع چین، ایران، روسیه و اروپا است. با این فرض، جنگ ترکیبی غرب و به‌ویژه آمریکا علیه ج.ا.ا. از جمله در مسئله تحریم‌ها و موضوع هسته‌ای، حداقل به همان اندازه که به نوع روابط و تعاملات سیاسی و تاریخی ایران و آمریکا مربوط می‌شود به‌مثابه یک وضعیت ژئوپلیتیک - ژئواکونومیک نیز از اهمیت برخوردار است و باید به عنوان یک وضعیت پیچیده، پرمؤلفه و پربازیکر نگریسته شود که عوامل بسیار زیادی در نوع آن تأثیرگذار است (زواری و همکاران، ۱۴۰۱: ۵۳۳ و گوهری مقدم و انصاری بارده، ۱۴۰۰: ۲۱۰). چینی‌ها برای حفظ امنیت مسیرهای تجاری خود و در امان ماندن از مزیت نسبی غرب و آمریکا در مدیریت آب‌های بین‌المللی مخصوصاً در نقاط حساس و انسداد^۳ همچون تنگه مالاکا، کانال سوئز، باب المندب و همچنین برای توسعه راهبردی و اقتصادی خویش نیازمند مسیر زمینی به سمت غرب و اروپا هستند. در این فرایند چند کریدور قابل پیگیری برای چینی‌ها وجود دارد که برخی از مهم‌ترین‌های آن عبارتند از: مسیر شمالی و سبیری که از روسیه می‌گذرد و با جنگ روسیه و اوکراین دچار

۱. در رویکرد ترکیبی، فساد در سیستم به‌عنوان یک موضوع متوسط و اجرایی مد نظر قرار ندارد؛ بلکه فساد در درون سیستم می‌تواند به مثابه یک نقطه ضعف راهبردی، به یک پنجره و تسهیل‌کننده مهم و اساسی جنگ ترکیبی تبدیل شود (Galeotti, 2015).

2. Belt and Road Initiative (BRI)

3. Choke Points

اختلال جدی شد. مسیر بعدی مسیری تورانی (لاجورد^۱ و ترانس - کاسپین^۲) بوده که ترکیه در آن حضور دارد و در واقع زیر نظر ناتو است و می‌تواند برای چین دردسرساز باشد. مسیر بعدی کریدور معروف به عرب - مد است که در واقع برای اتصال هند - به عنوان رقیب چین - به اروپا طراحی شده و از مسیر کشورهای عربی از جمله امارات و عربستان و رژیم صهیونیستی عبور می‌کند. این کریدور نیز به دلایل متعددی از جمله حضور هند و بازیگران متمایل به آمریکا، مسیر مستقل و مطمئنی برای چینی‌ها محسوب نمی‌شود.^۳ یکی از بهترین کریدورهای شرق به غرب برای چینی‌ها کریدور میانی است که از افغانستان، ایران، عراق، سوریه و لبنان می‌گذرد^۴ و آمریکایی‌ها در بین کریدورهای مختلف، کمترین تسلط سیاسی را بر این کریدور دارند؛ کریدوری که می‌توان آن را خروجی مجاهدت‌های سردار شهید حاج قاسم سلیمانی (رحمت‌الله‌علیه) دانست و از آن با عنوان کریدور مقاومت یاد کرد. این کریدور به دلیل حضور کمرنگ‌تر آمریکا می‌تواند مطمئن‌ترین راه برای کریدور شرق به غرب از دیدگاه چینی‌ها باشد. طبیعی است که غرب به رهبری آمریکا به شدت با توسعه زیرساخت‌ها و پیشرفت کشورهای واقع در این کریدور مخالف است^۵ و تمام تلاش خود را برای ایجاد شلختگی و ناآرامی‌های سیاسی و اجتماعی در این کشورها انجام خواهد داد.^۶ در همین راستا آمریکا با همکاری متحدان خود در سال‌های اخیر تلاش کرده است برای مدیریت بهتر منطقه غرب آسیا و تضعیف ایران و محور مقاومت، حمایت سیاسی - اقتصادی از رژیم صهیونیستی و عبور دادن رژیم صهیونیستی از بحران سیاسی و وجودی با استفاده از ایجاد تنیدگی ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک بین این رژیم و کشورهای

1. Lapis Lazuli Corridor

2. Trans-Caspian

۳. ایجاد تنگنای راهبردی برای ایران به نحو دیگری در پروژه بندر بزرگ فاو (Grand Faw Port) و عدم توسعه سواحل مکران به واسطه حضور هند در چابهار قابل مشاهده است.

۴. این خط کریدوری امکان تغییراتی نیز دارد.

۵. در همین راستا آمریکا با تقویت جریان فناوری، تولید، تشکیل سرمایه ثابت ناخالص و تولید ناخالص چین (Dabat & Leal, 2019) و به تبع آن با تقویت این موارد در محور میانی از جمله در ایران مخالف است.

۶. برای مطالعه بیشتر در این زمینه رجوع شود به یادداشت روزنامه خراسان در تاریخ ۱۴۰۱/۰۸/۱۵ با عنوان «ایران در نظم جدید جهان» قابل مشاهده در: <https://www.pishkhan.com/news/283342>، مشاهده شده در تاریخ ۱۴۰۱/۰۹/۲۰.

منطقه، اختلال در روند توسعه و ابتکار کمربند - راه چین و همچنین برای جبران کاهش حضور خود در منطقه غرب آسیا به طراحی و تکمیل پهنه - ائتلاف‌های چندجانبه مورد نظرش مبادرت کند. این رویکرد در امثال معامله قرن، ائتلاف کواد ۱۲ و ... قابل مشاهده است. فرایندی که بیانگر پیچیدگی و تنیدگی مسائل ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک در توصیف صحنه جنگ ترکیبی غرب علیه ج.ا.ا نیز می‌باشد چرا که ایجاد موضوعات فوق بخشی از طراحی کلان آمریکا برای مهار چین و ایران و همچنین به مثابه عامل معنابخش در تداوم و تقویت فشار ترکیبی بر ج.ا.ا محسوب می‌شود (ترابی فرد، رزم آهنگ و قاسمی، ۱۴۰۱: ۱۴۰-۱۷۵). در این ساحت، چند ملاحظه قابل اشاره است:

اول- در سطح بین‌الملل و در بین طیف پر رنگی از ایده‌ها، ابتکارات و روایت‌های غربی و شرقی از آینده ژئوپلیتیک - ژئواکونومیک جهان، روایتی ایرانی و منسجم در این زمینه وجود ندارد. از سویی دیگر و در سطح ملی نیز تصویری مشخص و قابل سنجش از آینده کوتاه‌مدت و میان‌مدت ایران و به تبع آن ایده و استراتژی متناسب با آن برای عموم حکمرانان و مردم وجود ندارد.

دوم- تصویرمندی بر ایده‌پردازی، امید، تاب‌آوری اجتماعی، کنشگری فعال و حس تلاش و کامیابی جامعه مؤثر و بلکه مقدم است، فرایندی که در کاهش سطح خشم، تخاصم و آسیب‌های اجتماعی نیز می‌تواند مؤثر باشد.

سوم- جامعه ایرانی در اثر حملات و هجوم‌های فراوان خارجی در طول تاریخ، از احساس ناامنی رنج می‌برد و این احساس ناامنی در کنار سایر عوامل باعث شده است تا رویکرد ژئوپلیتیک سنتی از رواج زیادی برخوردار شود. اگرچه هنوز هم این رویکرد از جایگاه مهمی برخوردار است؛ اما باید اذعان کرد که بدون کاربری رویکردهای ترکیب‌یافته ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک نمی‌توان به توسعه و مقابله با جنگ ترکیبی دشمن دست یافت و حتی نمی‌توان به صورت پایا از منافع ژئوپلیتیک مراقبت کرد. حتی اگر ایران را به مثابه کشوری که دچار تنهایی استراتژیک تاریخی^۲ است در نظر نگیریم؛ اما بازهم شرایط جغرافیایی، تاریخی، فرهنگی، موقعیتی و منابع این کشور به ضرورت ایجاد تعامل منطقه‌ای

1. Middle-Eastern Quad" or Quad 2 or the I2U2

۲. برای مطالعه در این زمینه رجوع شود به (رئیس‌نژاد، ۱۴۰۲)

چندجانبه با بازیگران خُرد و کلان و به‌طور ویژه با بازیگران قدرتمند در سطح بین‌الملل اشاره دارد. چین، روسیه، هند، اروپا و ایالات متحده آمریکا را می‌توان پنج سوی ایجاد این تعامل در نظر گرفت. این که در تعامل با این کشورها بتوان بر پایهٔ تصویر کلان از آینده ایران و متناسب با جدول توسعه داخلی به تعریف پرونده‌های ابتکاری، مشخص و سودمند برای طرفین پرداخت از اهمیت برخوردار است. حوزه انرژی، توجه به پیگیری ایده ایرانی در مسئله کریدورها و به‌ویژه کریدورهای شمال به جنوب و شرق به غرب مخصوصاً موضوع ابتکار پهنه-راه و تلاش چین برای طراحی مسیر مستقل بری به اروپا و آلمان، بازطراحی نقاط تسویه مازاد تجاری ایران مخصوصاً در حوزه ارزی درهم و مسیر امارات و همچنین مسیر ترکیه، بازبینی در مسیر و منابع ورود کالاهای اساسی و استفاده از چرخه غیرانحصاری آمریکا و کاهش انحصار شرکت‌های آمریکایی از جمله شرکت کارگیل^۱ در این زمینه، ایجاد تنوع در مبادی و روش خرید کالاهای اساسی، توجه به موضوع احیای ساختار پرداخت رسمی، پردازش ابتکاری و تعاملی نقاط مزیت ژئواکونومیک در گفتگو با کشورهای مختلف از جمله پنج بازیگر فوق، با در نظر گرفتن شرایط دوران پسا صنعت شیل، پسا کرونا و پسا جنگ روسیه و اوکراین و همچنین پسا هفت اکتبر از جمله موارد قابل تأمل در این زمینه می‌باشد.^۲

چهارم- توسعه ایران بر پایه فرایند حکمرانی و سیاست‌گذاری با کیفیت و یادگیرنده با کنشگری هیبریدی در وضعیت پیچیده داخلی و خارجی از جمله مهم‌ترین راهکارهای مقابله با جنگ ترکیبی غرب محسوب می‌شود. این مهم نیازمند تمرکز و مسئولیت‌پذیری مشخص در سطح نهادی است، موضوعی که متأسفانه به دلایل مختلف از جمله حکمرانی نفتی، کثرت و شلختگی نهادی و ابهام در مسئولیت‌پذیری با مانع مواجه شده است. در این راستا ایجاد «آژانس توسعه ایران»^۳ به عنوان نهاد متولی و راهبر توسعه کشور می‌تواند مد

1. Cargill

۲. برای مطالعه بیشتر در این زمینه و آشنایی با مفهوم زنجیره ارزش، رجوع شود به مصاحبه امیر کرمانی با سایت اکو ایران با عنوان «انتخاب ایران در منازعه چین و آمریکا» در تاریخ ۵ شهریور ۱۴۰۱ به نشانی: <https://ecoiran.com>.
۳. اگرچه ادبیات اصلی آژانس‌های راهبر باید در میدان سیاست‌های دولت‌های توسعه‌گرا پیگیری شود، اما تجارب کشورهای شرق آسیا نشان داد که استفاده هدفمند و روشمند از سایر چارچوب‌ها در کنار این چارچوب بلامانع است (محمدی ایوانکی، ۱۴۰۱: ۱۲).

نظر قرار گیرد.^۱ این نهاد که باید توسط بهترین نخبگان و متخصصان کشور^۲ اداره شود می‌تواند با الهام از رویکرد انطباق تکرارشونده مسئله‌محور (PDIA) و مفهوم «نتو کراسی»^۳ و با اتصال به بدنه کارشناسی و تخصصی اندیشکده‌ها و مراکز سیاست‌گذاری از یک سو و ساختار و نهادهای حکومت از طرف دیگر، علاوه بر داشتن جایگاه حقوقی و در نظر گرفتن ضوابط حاکمیتی به رفع نادیده‌انگاری انواع اندیشکده‌ها و ایجاد همسازی بین قدرت سیاسی و اجتماعی مبادرت کند. نهادی چابک، نوآورانه و دارای ایده مرکزی که با تجمیع مسئولیت‌های نهادهای مختلف و ناهم‌ساز در حوزه توسعه بتواند با جبران سنت‌ناپذیری دولت‌ها به نهادی برخاسته از آگاهی ترکیبی تبدیل شود و با بازتعریف نقش بین‌المللی ایران به نقطه تلاقی شناخت از گذشته، ادراک از حال و تصویر از آینده ایران جدید بدل گردد. این آژانس به مثابه جزیره شایستگان^۴ و کانون اثربخشی^۵ در میانه محیطی

۱. «آژانس راهبر کارکرد اتاق فکر را دارد، مسیر توسعه اقتصادی را ترسیم می‌کند، تصمیم می‌گیرد که برای ارتقای ساختار و افزایش رقابت‌پذیری صنعتی کشور در سطح بین‌المللی کدام صنایع باید وجود داشته باشند و به وجود کدام صنایع دیگر نیاز نیست، نوعی اجماع برای برنامه‌های خود در میان بخش خصوصی ایجاد می‌کند و از ابتکار عمل بخش خصوصی حمایت مثبت می‌کند. آژانس راهبر باید مراقب اهداف عملیاتی مانند ایجاد تنوع در صنایع، متنوع‌سازی بازارها، کاهش وابستگی به واردات مواد اولیه و اشتغال بیشتر در صنایع خاص باشد و با تجزیه و تحلیل چگونگی تأثیر سیاست‌های مختلف، برای تحقق این اهداف تلاش کند. این آژانس باید خود را یک سازمان استراتژیک بداند» (محمّدی ایوانکی، ۱۴۰۱: ۱).

۲. تأکید بر اداره این نهاد توسط نخبگان، متخصصان و شایستگان جوامع از اهمیت برخوردار است. انتخاب بر اساس ضوابط غیررابطه‌ای و غیرحزبی و همچنین عدم انتخاب سیاسی و عدم انتخاب سیاستمداران تا حد ممکن و اجتناب از تعارض منافع می‌تواند در این زمینه محل توجه باشد. برای مطالعه نظرات جانشینان، وید، چانگ، رودریک، چیر، لاندزبرگ، ساسادا، تیپتون، آندرونی و چانگ و صوفی در رابطه با وظایف و ویژگی‌های آژانس راهبر رجوع شود به: (محمّدی ایوانکی، ۱۴۰۱: ۴۴-۴۰).

3. Netocracy

برای مطالعه بیشتر در زمینه نتو کراسی رجوع شود به: (لشکر بلوکی، ۱۴۰۱).

4. Island of Excellence

5. Pockets of Effectiveness

«رول در بررسی خود دریافته که همه PoE ها در نمونه او نتیجه تصمیمات و اقدامات سیاسی عمدی و هدفمند از بالا به پایین بوده‌اند. سایر مطالعات نیز مؤید این موضوع است که در غالب موارد از همین مسیر PoE ها شکل گرفته‌اند.» (محمّدی ایوانکی، ۱۴۰۱: ۴۳). در این باره مطالعه دو اثر توصیه می‌شود: (Roll, 2014) و (جمعی از نویسندگان، ترجمه میثم ملک‌شاه و نسرين قنوتی: ۱۴۰۰).

متراکم از بوروکراسی اقتصادی (محمدی ایوانکی، ۱۴۰۱: ۲) می‌تواند با ترکیب همسازِ رویکردهای ژئوپلیتیک با ژئواکونومیک و در تعامل قراردادادن دستاوردهای امنیتی و توسعه اقتصادی و با توجه به ظرفیت‌ها و بایسته‌های مختلف مادی و معنوی، موقعیت جغرافیایی، کریدوری و منابع انرژی کشور به بازبینی مسیر گذشته و طراحی مسیر آینده توسعه ایران اقدام کند.

بایسته است این آژانس در یک فرایند فرادولتی و غیرموقت به طراحی استراتژی ترکیبی توسعه ایران و استراتژی توسعه صنعتی بر پایه موفقیت در پروژه‌ها و پرونده‌های مشخص^۱ بپردازد. این نهاد^۲ می‌تواند نقص شلختگی در نهادهای متولی توسعه، سطحی بودن نهادی دولت و سیاسی و موقتی شدن روند توسعه را تا حدودی اصلاح کند.^۳ ترسیم شبکه تعاملی بین قدرت‌های بزرگ و جایابی ایران با الهام از این تصویر یکی از اقدامات آژانس توسعه خواهد بود که دلالت‌های نهادی و سیاستی نیز در سطح داخلی خواهد داشت. در این بین تفکر سیستمی که بتواند تنگناهای توسعه‌ای را درک کند و به صورت منسجم به آن پاسخ دهد از اهمیت برخوردار است. سیستمی و ترکیبی بودن توسعه، دلالت بر آن دارد که نمی‌توان سیاست داخلی و خارجی و مؤلفه‌ها و رفتارهای متنوع ذیل هر

۱. برای آشنایی با مفهوم موفقیت‌ها و پروژه‌های مشخص نیز رجوع شود به مسئله توسعه ریزنهادهای با استعاره نیلوفر آبی (لشکرلوکی، ۱۴۰۱). البته منظور نویسنده این رساله از موفقیت‌های مشخص لزوماً به آنچه با عنوان نیلوفر آبی توسط آقای لشکرلوکی ارائه شده است اشاره ندارد، اما این استعاره می‌تواند تا حدودی به تقریب ذهن خوانندگان در این زمینه کمک کند.

۲. برای مطالعه بیشتر در رابطه با آژانس‌های توسعه و تجارب جهانی در این زمینه رجوع شود به (محمدی ایوانکی، ۱۴۰۱).

۳. برای آشنایی با راهبرد ایالات متحده آمریکا در رابطه با ترکیب رویکردهای ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک می‌توان به سیر تطور و تکامل معرفی آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده (USAID) مراجعه کرد. رجوع شود به:

<https://iranthinktanks.com/introducing-the-united-states-agency-for-international-development-usaid>.

در این رابطه، مطالعه تجربه امثال آژانس‌های توسعه در سایر کشورها از جمله وزارت تجارت بین‌الملل و صنعت ژاپن (MITI)، کمیسیون اصلاح و توسعه ملی چین (NRDC)، واحد برنامه‌ریزی اقتصادی مالزی (EPU)، هیات برنامه‌ریزی اقتصادی کره جنوبی (EPB) توصیه می‌شود. همچنین برای آشنایی با مسائل استراتژی توسعه صنعتی ایران رجوع شود به: <http://fdn.ir/78197>.

کدام را با منطق‌های کوتاه‌مدت و مستقل طراحی کرد.^۱

راهکارهای نیمه کلان

راهکارهای نیمه کلان، اغلب به حوزه‌های سیاست‌گذاری و حکمرانی مربوط می‌شوند. در کنار طراحی تصویر کلان و اقداماتی که در بخش پیشین طرح شد، بایسته است به بازبینی نظام حکمرانی و سیاست‌گذاری متناسب با آن نیز پرداخته شود.

بی‌ثبات‌سازی کشور هدف و ایجاد اختلال در فرایند سیاست‌گذاری و حکمرانی آن از اهمیت کلیدی در جنگ ترکیبی برخوردار است (Qureshi, 2020: 205). یکی از مهم‌ترین مسائلی که در این زمینه قابل طرح است موضوع شکست‌های سیاستی است. «اگرچه ناکامی‌ها و شکست‌های سیاستی به طور فراگیر و با درجات مختلف متوجه همه دولت‌ها است؛ اما این پدیده در ایران بیشتر نمایان است؛ به طوری که می‌توان در همه حوزه‌ها، نشانه‌ها، مصادیق و ردپاهایی از ناکامی سیاستی مشاهده نمود. اگر ناکامی‌های سیاستی به معنای عدم دستیابی به اهداف، نسبت نامتعارف هزینه و دستاورد و یا آثار و تبعات مخرب یک سیاست در نظر گیریم؛ در کشورمان به دلایل مختلفی ردپای ناکامی سیاستی در اغلب حوزه‌ها از اقتصاد گرفته تا فرهنگ، محیط زیست، صنعت و سیاست به چشم می‌خورد» (فرتوک‌زاده و جعفری، ۱۴۰۱: ۱۵۲). حکمرانی نفتی و سیاست‌گذاری عمودی غیر ترکیبی، این فرایند را پیچیده‌تر نیز کرده است. ادراک مناسب از دو عنوان زیر می‌تواند دریچه‌ای برای مرور راهکارهای نیمه کلان برای مقابله با جنگ ترکیبی غرب علیه ج.ا.ا باشد:

الف - سطحی‌نگری پیچیدگی سیستم و میل به ساده‌سازی در سیاست‌گذاران
سیستم‌های پیچیده را نمی‌توان با مداخلات غیرسیستمی و ساده بهینه‌سازی کرد، مداخله غیرسیستمی در چرخه پیچیده سیاست‌گذاری و حکمرانی و ساده‌انگاری آن باعث تراکم بحران در سیستم می‌شود و بستر آسیب‌پذیری را افزایش می‌دهد. ذهن آدمی و مخصوصاً

۱. در این بین توجه به انواع ژئوپلیتیک ایرانی از جمله ژئوپلیتیک شیعی و اسلامی و همچنین توجه به ژئوپلیتیک دسترسی، ژئوپلیتیک احساسات و ژئوپلیتیک زیبایی‌شناختی نیز از اهمیت برخوردار است. برای مطالعه بیشتر در این زمینه رجوع شود به (مسرور، ۱۴۰۱).

سیاست‌گذاران در آستانه شناخت، پردازش و فهم مسئله و تصمیم‌گیری به ساده‌سازی تمایل پیدا می‌کند. ذهن انسان به صورت طبیعی تمایل ذاتی به ساده‌سازی و فهم بسیط دارد؛ تمایل به ساده‌سازی در سیاست‌گذاری رایج‌تر است؛ به گونه‌ای که سیاست‌گذاری را می‌توان تلاش برای ساده‌سازی مسئله و راه‌حل دانست؛ جایی که عمده سیاست‌گذاران، پیچیدگی و وضعیت دینامیک را نادیده می‌گیرند و علاقه‌مند به استفاده از روال‌های ساده و خطی هستند؛ فرایندی که پردازش روان‌شناسی سیاست‌گذاری و رویکردهای شناختی به مسئله تصمیم‌گیری سیاسی^۱ را پر اهمیت کرده است (Staerklé, 2015: 429). این در حالی است که ساده‌سازی نه تنها پیچیدگی را کاهش نمی‌دهد؛ بلکه مسئله را به مرور زمان پیچیده‌تر کرده یا با تبعات بیشتری از یک‌زمان به زمان دیگر انتقال می‌دهد و همچنین مسئولیت را از یک مجموعه کنشگران مشخص به مجموعه‌های مبهم دیگری منتقل می‌نماید (فرتوک‌زاده و جعفری، ۱۴۰۱: ۱۶۷)؛ لذا بایسته است به سیستم سیاست‌گذاری و حکمرانی به مثابه یک سیستم ترکیبی، باز، پویا، پیچیده، غیرخطی و دارای واکنش نگریسته شود نه به عنوان یک سیستم آمریت‌پذیر و خطی.

ب- نوع حکمرانی و عدم یادگیری سیاستی

یکی از مشکلات عمده در مسیر شکست‌های سیاستی را می‌توان در عدم یادگیری سیاستی مورد پردازش قرار داد، وضعیتی که به تکرار خطاها، سرزنش‌های سیاسی و ادامه مسیر شکست سیاستی منجر می‌شود، در حالی که یادگیری سیاستی می‌تواند این روند معیوب را متوقف کند (McConnell, 2015: 222-223). فرایند تصمیم‌گیری عمودی و غیرشبکه‌ای در کنار کمی، عینی و دقیق نبودن بسیاری از برنامه‌ها، سیاست‌ها، اسناد و قوانین بر پایه آگاهی ترکیبی، تصویر مشخص و استراتژی توسعه، عدم تمرکز در توزیع وظایف و ابهام و تداخل کارکردی در نوع متصدیان و کارفرمایان هر طرح و پاسخگویان آن و سنجش‌ناپذیری و داده‌محور نبودن سیاست‌ها را می‌توان بخشی از زنجیره عدم یادگیری سیاستی دانست. این فرایند دارای تبعات اجتماعی و سیاسی متفاوت و فراوان دیگری نیز بوده و خواهد بود که از آن جمله می‌توان به کاهش یادگیری و سطحی‌سازی

1. Cognitive Approaches to Political Decision Making

رفتار انتخاباتی بخشی از مردم و ایجاد فضای مناسب برای کاهش عقلانیت، کاهش واقع‌گرایی و کاهش شفافیت و صداقت در بازاریابی سیاسی اشاره کرد؛ فرایندی که فضا را برای غلبه گفتمان‌های سطحی و تبلیغاتی بر گفتمان‌های خردمندانه فراهم می‌کند. در این راستا، ضعف در تربیت نیروی حکمران، متناسب با شرایط ترکیبی و آگاه به پیچیدگی مسائل، طرد نخبگان، کم‌توجهی به اندیشکده‌ها در کنار نبود سیستم یادگیرنده‌ای همچون حزب یا هر نوع سازوکار یادگیری سیاسی شبیه حزب، به کاهش عمق و سنت سیاستی دولت‌ها و نظام حکمرانی منجر شده است. در این راستا پردازش ترکیبی این مسائل و تقویت عمق دولت‌ها، طراحی سازوکارهای شبکه نخبگان از جمله تقویت نقش اندیشکده‌ها و اتصال آنها به دولت، بازبینی نهادی و ایجاد آژانس توسعه می‌تواند مد نظر قرار گیرد. در این راستا چند ملاحظه قابل بیان است:

اول- لزوم اصلاح ساختار انتخابات و نهاد مجلس

در بازبینی نهادی، یکی از نهادهای مهم و بسیار تأثیرگذار در ساختار حکمرانی کشور نهاد مجلس است. ساختار کنونی مجلس شورای اسلامی در ایران به نحوی است که اولاً فرایند انتخاب نمایندگان و نظارت بر ایشان در بسیاری از مواقع به کاهش تخصص و شایستگی مجلس و سلامت برخی از نمایندگان و اختلال در انباشت آگاهی ترکیبی منجر می‌شود و ثانیاً با وجود تعارض منافع، نگاه بخشی و غیرملی و فقدان آگاهی ترکیبی و فقدان تصویر کلان به کاهش قدرت گسیل سینرژیک منابع و ظرفیت‌ها منجر می‌شود، فرایندی که توانایی بازدارندگی مؤثر در جنگ ترکیبی و مقابله با آن را ندارد. نمی‌توان از نهاد مجلس شورای اسلامی با ساختار کنونی که بر پایه نظام انتخابات محلی، مسائل متشت محلی، رأی‌دهندگان محلی و سیستم ضعیف در انباشت و یادگیری طراحی شده است و حتی رأی نمایندگان آن نیز شفاف نیست، توقع طراحی و تقنین ترکیبی، ملی و راهبردی داشت. تغییر سازوکارهای انتخابات از جمله انتخابات مجلس برای اولویت‌دادن به منافع ملی نسبت به منافع محلی و انتخاب تخصصی‌تر نمایندگان و کنترل تخصصی‌تر صلاحیت نامزدهای انتخاباتی و نظارت بر ایشان را می‌توان در این فرایند از اهمیت برخوردار دانست.

۱. این معضله نهادی و ساختاری، نافی سلامت و تخصص بسیاری از نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیست.

دوم- حکمرانی خوب، با کیفیت و انطباق‌پذیر

به‌طور کلی به نظر می‌رسد مفهوم «حکمرانی خوب»^۱ (Coffey, 2019) و افزایش «کیفیت حکمرانی»^۲ (Rothstein, 2011) بدون غفلت از رویکرد انطباق تکرار شونده مسئله‌محور از جمله مفاهیم مؤثر در مقابله با جنگ ترکیبی و جلوگیری از ایجاد آن محسوب می‌شوند، فرایندی که برای مقابله با جنگ ترکیبی و سیاسی مدنظر غربی‌ها نیز قرار دارد (Galeotti, 2019: 114) و می‌تواند در سطح راهکارهای نیمه‌کلان مقابله با جنگ ترکیبی مورد مطالعه قرار بگیرد. در حکمرانی خوب، با کیفیت و انطباق‌پذیر؛ مسئله شفافیت از اهمیت بسیار زیادی برخوردار و بر مؤلفه‌های دیگر حکمرانی نیز تأثیرگذار است. شفافیت در واقع یک کلان‌مسئله محسوب می‌شود و توانایی آن را دارد که کارآمدی و کارایی، کاهش فساد، افزایش اعتماد و رضایتمندی اجتماعی و در نهایت افزایش و انباشت اجتماعی و رفتاری را به همراه داشته باشد. شفافیت یکی از عوامل اصلی یادگیری اجتماعی است و می‌تواند نقش مهمی در اصلاح موقتی بودن نهاد حکمرانی و سیاست‌گذاری و مقابله با جنگ ترکیبی غرب علیه ج.ا.ا ایفا کند. در این راستا، شفاف کردن واقعی آرای نمایندگان مجلس را می‌توان اولین گام بسیار مهم و ضروری در این حوزه دانست.

راهکارهای خُرد

راهکارهای خرد غالباً در تک‌ساحت‌های مربوط به جنگ ترکیبی مد نظر هستند. در این زمینه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف- زیرساخت‌ها و راهکنش‌ها

در راهکارهای خُرد مقابله با جنگ ترکیبی، زیرساخت‌ها و راهکنش‌ها از اهمیت زیادی برخوردار هستند، در این راستا می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

اول- تقویت هدفمند توانمندی‌ها، ابزارها، فناوری‌ها و زیرساخت‌های تهاجمی و دفاعی

1. Good Governance
2. The Quality of Government

نظامی^۱، شناختی، سایبری، زیستی و اطلاعاتی مخصوصاً با توجه به نقاط قوت و ضعف کشور و دشمنان و با عطف توجه به لایه‌های کنش در منطقه خاکستری^۲ و زیرآستانه جنگ نظامی^۳ که توانایی فهم کنش ترکیبی بدون انتساب و کم‌پایم را داشته باشد.^۴

دوم- ایجاد و افزایش توانمندی رسانه‌ای در حوزه ترکیبی. فعالیت رسانه‌ای^۵ در حوزه جنگ ترکیبی به مثابه یک عملیات هیبریدی - شناختی در وضعیت پیچیده شناخته می‌شود. این نوع از عملیات ترکیبی منجر به اثر شناختی یک عملیات استراتژیک محسوب می‌شود. تربیت استراتژیست‌های آشنا به زمین‌های ترکیبی که توانایی درک و کاربست این فرایند را داشته باشند از اولین بایسته‌های ورود به این حوزه است. تیم عملیات ترکیبی در ساخت رسانه‌ای و شناختی بایستی از چابکی برخوردار بوده و بتواند با ترکیب عناصر و ابزارهای مختلف ساخت فضا در یک کارگردانی پیچیده به «کنش وضعیت‌ساز» و هدفمند مبادرت کند. این کنش بر اساس استراتژی بازیگر عامل، ممکن است توسط خود تیم یا وابستگان به آن، رسانه‌ای یا منتشر شود یا گاهی ممکن است اقدامی انجام گیرد که بعداً به وسیله خود رسانه‌های دشمن، رسانه‌ای گردد. آنچه در اینجا طراحی و تولید می‌شود «اثر شناختی»^۶ با طیف نامحدودی از ابزارهاست. تیم‌های شناختی و رسانه‌ای مذکور باید توانایی آن را داشته باشند که به تولید کنش‌های متنوع همگرا، ترکیبی، غیررسمی و خلاق برای مخاطبان با گرایش‌های متفاوت بپردازند. کاربست این مهم نیاز به متخصصان هوشمندی دارد که از دانش و مهارت دوگانه برخوردار باشند، اولاً به ساخت و لایه‌های

۱. در تقویت نظامی هدفمند در زیرآستانه جنگ می‌توان توجه به انواع تسلیحات سبک و سنگین را مد نظر قرار داد. نوع جایابی سلاح در منظومه قدرت و شبکه ساخت ترکیبی و نوع کاربست آن به صورت مستقیم یا حمایت‌گر و همچنین توانایی به کارگیری سلاح مبتنی بر محیط خاکستری و متناسب با ایجاد وضعیت و اثرگذاری ترکیبی از اهمیت برخوردار است.

۲. شاید بتوان ارائه مفهوم ژئوپلیتیک چریکی «Guerilla Geopolitics» توسط گالوتی را در همین فرایند مورد پردازش قرار داد (Galeotti, 2015).

3. Below the Threshold of War

۴. مفهوم منطقه خاکستری نه تنها با رئالیسم تهاجمی (Offensive Realism) همسازی مناسبی دارد بلکه به غنای این نظریه نیز افزوده است (Jordan, 2020: 1).

۵. در جنگ ترکیبی؛ یک فرد، یک نهاد، یک گروه، یک حزب، یک سمن و ... می‌توانند به مثابه یک رسانه هیبریدی - شناختی عمل کنند.

6. Cognitive Effects

فضای سیاست و اجتماع آگاه و ثانیاً توانایی کارگردانی و طراحی فضا را داشته باشند. عمل شناختی در جنگ ترکیبی صرفاً به تولید رخداد، ایجاد روایت یا استفاده از ابزار و فناوری محدود نمی‌شود؛ بلکه میزانشی^۱ پیچیده شامل طراحی و کارگردانی صحنه، تنظیم رخداد، ایجاد و پردازش روایت و پیام، تعامل با مقاصد پیام و مدیریت انتشار آن توسط متورانشن‌های^۲ دارای دانش ترکیبی جهت مشارکت در ساخت فضا، ایجاد وضعیت و تأثیرگذاری ترکیبی است^۳ که در نهایت یک وضعیت و پرفورمنس^۴ را تشکیل می‌دهد. از سوی دیگر شبکه و بستر عمل شناختی به شدت پویا بوده و نمی‌توان نقاط آغاز و پایان کاملاً مرزبندی شده‌ای برای این شبکه در نظر گرفت، بلکه طراحی نقاط وضعیت‌ساز و آمادگی برای بازی شناختی در محیط غیرقابل پیش‌بینی از اهمیت برخوردار است؛ فرایندی که ابتکار، هوشمندی، خلاقیت و نوآوری را از اهمیت زیادی برخوردار کرده و توجه به آنها در طراحی نهادهای شناختی نیز از اهمیت بسیار معتناهی برخوردار است. در این فرایند ایجاد هسته‌های چندتخصصی، استراتژیک و مسلط به کارگردانی با توانمندی استفاده از ابزارهای بسیار متنوع فنی، هنری، انسانی و اجتماعی شایسته توجه است.

سوم- استفاده از فناوری‌های نوین و مؤثر از جمله فناوری کلان‌داده‌ها در ذائقه‌سنجی اجتماعی، سیاست‌گذاری، نظارت و ارزیابی شاخص‌های اجتماعی.

چهارم- مقابله جدی، فراگیر و قاطع با مسئله نفوذ در تمامی سطوح. مقابله با نفوذ در سیستم اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، شناختی، سیاست‌گذاری، حکمرانی، اطلاعاتی، امنیتی و نظامی از جمله موانع مهم در ساخت فضای و ایجاد وضعیت ترکیبی علیه کشور محسوب می‌شود.^۵

ب- رویه‌ها و فرایندها

رویه‌ها و فرایندها از جمله راهکارهای خرد مقابله با جنگ ترکیبی محسوب می‌شوند. در ذیل این عنوان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

1. Mise en Scène

2. Metteur en Scène

۳. برای مطالعات بیشتر در این زمینه رجوع شود به: (محسنیان‌راد، ۱۴۰۰) و (محسنیان‌راد، ۱۳۹۸).

4. Performance

۵. برای مطالعه بیشتر در این زمینه رجوع شود به: (Galeotti, 2015).

اول. جذب نخبگان در سطوح راهبردی و ساختارهای امنیتی و اطلاعاتی کشور و افزایش و بالا نگه داشتن هوش ادراکی سیستم در ساحات حکمرانی، سیاست‌گذاری و اطلاعاتی؛ دوم. بالا نگه داشتن سلامت و اقتدار نهادهای نظامی، امنیتی و اطلاعاتی و بهبود دائمی تصویر این نهادها در اذهان عمومی. بهبود تصویر نهادهای مذکور در جامعه شبکه‌ای که کوچک‌ترین رویدادها در آن به سرعت، روایت‌پردازی و منتشر می‌شود از اهمیت بیشتری برخوردار است؛

سوم. جلوگیری از ایجاد انواع دوقطبی‌سازی‌ها مخصوصاً در حوزه‌های اجتماعی، مذهبی و سیاسی؛

چهارم. تقویت نهادهای مردمی و اجتماعی در انواع موضوعات از جمله در حوزه گسیل اجتماعی و محدود نکردن آزادی‌های مشروع اجتماعی؛

پنجم. بهبود وضعیت زیست‌محیطی، معیشتی، سلامت و رفاه عمومی. در این ساحت توجه به آثار شناختی تورم، کیفیت تأثیرگذاری شرایط زیستی، غذایی^۱، زیست‌محیطی و آب‌وهوایی بر سلامت، طراوت و رضایت عمومی و حس کامیابی محیطی و امنیت زیستی از اهمیت برخوردار است. در این بین توجه به منابع و بانک‌های ژنتیک بذور گیاهی و جانوری نیز دارای اهمیت زیادی است؛

ششم. شناخت منطقی و طیفی از بافتارها و مقولات فرهنگی جامعه و تولیدات بومی متناسب با هر کدام. طراحی و در دسترس قرار دادن بسته محصولات فرهنگی بومی با توجه به مؤلفه‌های کیفیت، اعتبار، برندینگ، بازاریابی و قیمت مناسب برای طیف متنوع مصرف‌کنندگان از اهمیت بسیار زیادی در ساخت فضا و وضعیت ترکیبی برخوردار است. برای مثال در این راستا می‌توان به مؤلفه‌های فضا سازی همچون صنعت پوشاک، مسئله پوشش و حجاب، مد و الگوهای پوششی، موسیقی، فیلم، کافه‌ها، وضعیت معماری و شهرسازی، صنعت بازی، وضعیت محیطی و محتوایی دانشگاه‌ها و مدارس، صنعت چاپ و نشر و ناشرین مؤثر در ساخت فضا، صنعت لوازم آرایشی و بهداشتی، استارت‌آپ‌ها، سلبریتی‌ها و سایر مؤلفه‌های روزمره و نمادین زیست اجتماعی و سبک زندگی اشاره کرد.

۱. تنوع در مبادی، مسیرها، واردکننده‌ها و چرخه‌های تسویه ورود کالاهای اساسی به کشور نیز در این موضوع نقش مهمی دارد.

مؤلفه‌هایی که از سطوح اجتماعی و خاکستری به ساخت سطوح سیاسی و ساختاری منجر می‌شوند و در تبیین و پردازش حوادث سال ۱۴۰۱ و کاربست فشار ترکیبی غرب علیه ج.ا.ا. محل توجه هستند. اتخاذ نگاه منطقی، اجتماعی و ترکیبی به این مؤلفه‌ها از اهمیت برخوردار است، نگاهی که توانایی فهم تکرر جامعه و توانایی ساخت شبکه‌ای از معناها و الگوهای هارمونیک را در چارچوب فلسفه زندگی ایرانی و اسلامی داشته باشد. برای مثال در این زمینه و مخصوصاً در موضوع عفاف و حجاب و موضوع احیای مستوریت بدن، توانمند شدن در زمینه شبکه‌سازی و بازطراحی تیپ‌های اجتماعی و زنانه بر پایه ارزش‌های اجتماعی و شبکه‌ای بدون تکیه انحصاری و غلیظ بر دین و سیاست از اهمیت برخوردار است؛

هفتم. پلتفرم‌های مجازی و سایبری به مثابه بخشی از معماری ساخت فضا که قابلیت «قلمروزدایی»^۱ و «قلمروزایی»^۲ دارند (Lambach, 2020: 482) امکان آن را دارند که «امنیت هستی‌شناختی»^۳ جامعه هدف را با اختلال مواجه کنند (Lupovici, 2023: 153)؛ از این رو توجه به تنظیم‌گری و حکمرانی هوشمندانه فضای مجازی (زیرساختی و محتوایی) در عین توجه به آزادی و شفافیت گردش اطلاعات از اهمیت برخوردار است. در این بین تنظیم قاعده‌ای برای مدیریت پیشینی رفتار سلبریتی‌ها در فضای مجازی نیز قابل توجه است؛

هشتم. کنترل مؤثر و هدفمند مرزهای جغرافیایی از اهمیت برخوردار است. توجه به بافت جمعیتی مهاجرین و تدوین طرح جامعی در این باره متناسب با برنامه توسعه کشور از اهمیت برخوردار است.^۴

1. Deterritorialization
2. Reterritorialization
3. Ontological Security

۴. برای مثال در این راستا توجه به تعادل در نوع بورسیه‌های تحصیلی در کشورهای غربی یا شرقی، آموزش زبان کشورهای شرقی یا غربی و ... از اهمیت ویژه‌ای در جهت ارتباط متعادل با کشورهای مختلف شرقی و غربی برخوردار است. در همین راستا کمبود آموزش زبان چینی، کمبود مترجم زبان چینی و مراکز و کارشناسان متخصص در زمینه چین در کشور ایران قابل توجه است.

جمع‌بندی راهکارهای مقابله به مثابه استراتژی ترکیبی

مؤلفه‌های کلان، نیمه‌کلان و خرد در برهم‌کنش هارمونیک و منجر به فضا با یکدیگر از اهمیت برخوردار هستند و مؤکداً باید از نگاه غیرفضامحور به این مؤلفه‌ها اجتناب کرد. مدیریت و ساخت فضا است که در نهایت به خروجی رفتاری ختم می‌شود و ج.ا.ا نمی‌تواند بدون توجه به مؤلفه‌های فضا‌ساز و منطق اجتماعی و هارمونیک آن به ساخت فضا و مقابله با تهدیدات ترکیبی و وضعیت‌ساز دشمن مبادرت کند.^۱ خروجی این رویکرد یکپارچه را می‌توان در استراتژی مقابله با جنگ ترکیبی مدنظر قرار داد که کاربست آن در قدم‌های اول نیازمند یک دولت قوی، توسعه‌گرا، شفاف، یادگیرنده، چابک و اجتماعی است. این دولت است که می‌تواند استراتژی مقابله با جنگ ترکیبی را در دو بعد سلبی و ایجابی پیگیری کند. مقابله با جنگ ترکیبی به مثابه جنگی خلاقانه در موقعیت‌ها و وضعیت‌های مختلف با استفاده پویا از عملیات چند دامنه‌ای و جابه‌جایی مراکز ثقل، نیازمند استراتژی هماهنگ و دقیق است.^۲ (Schmid, 2019: 8)؛ استراتژی ترکیبی، پیچیده، سیال، ابتکاری و به شدت نیازمند یادگیری که توانایی درک تفکر و عمل پیچیده و سیستمی، غیرخطی و نوآورانه و ساخت فضا و ایجاد وضعیت را داشته باشد؛ فضایی که از نیازهای روزمره جامعه تا ساختارهای سیاسی را شامل می‌شود. منشأ این مقابله نه صرفاً در داخل مرزهای کشور و بر پایه ظرفیت و اصلاحات داخلی و نه صرفاً در خارج از مرزها قرار دارد، بلکه امر سومی منشأ این مقابله را تشکیل می‌دهد و آن هم توجه به طراحی استراتژی کلان ترکیبی برای مقابله با این نوع از «جنگ موزاییکی»^۳ است که حضور دولتی قوی و اجتماعی را ضروری کرده است.

۱. برای مثال در قضایای سال ۱۴۰۱ ایران که به بهانه فوت خانم مهسا امینی شروع شد می‌توان تقسیم وظایف بین کشورها، سفارتخانه‌ها و گروه‌های مختلف در جهت ساخت وضعیت پیچیده و کاربست فشار ترکیبی بر ج.ا.ا را مشاهده کرد. کارویژه‌هایی که سفارت آلمان، فرانسه، انگلیس و اقدامات رژیم صهیونیستی، ایالات متحده با همکاری برخی از کشورهای عربی و گروه‌های ضدایرانی مدنظر داشتند در این حوزه به‌خوبی قابل مشاهده است. پردازش این موضوع و بررسی در کنار هم قرار گرفتن سینرژیک این نیروها به پژوهشی جداگانه و مفصل نیاز دارد.

2. Hybrid Warfare is a creative combination of different battlefields on multiple domains by the dynamic use of multidomain operations and shifting centres of gravities.

3. Mosaic Warfare

شاید بتوان بهترین راهکار مقابله با جنگ ترکیبی را در این استراتژی، جلوگیری از ساخت فضا و هارمونیک شدن آن دانست؛ زیرا در شرایطی که فضای هارمونیک ترکیبی در انواع ساحات فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و ... ساخته می شود مقابله با جنگ ترکیبی و شکست آن کار راحتی نخواهد بود (Coffey, 2019). در جمع بندی راهکارهای مقابله با جنگ ترکیبی می توان به گزاره مهمی که توسط «مرکز عالی اروپا برای مقابله با تهدیدات ترکیبی در هلسینکی»^۱ ارائه شده است، اشاره کرد. این گزاره عبارت است از «اقدام هماهنگ و هم افزا»^۲ برای مقابله با جنگ ترکیبی (Coffey, 2019)؛ در واقع جامعیت، هماهنگی و هم افزایی نظری و عملی در استراتژی مقابله با جنگ ترکیبی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است و ایجاد یک تصویر «آگاهی موقعیتی چنددامنه ای»^۳ نیز از اولین گام های شروع این استراتژی محسوب می شود،^۴ تصویری که در راهکارهای کلان و موضوع آگاهی ترکیبی مورد اشاره قرار گرفت. در این راستا نهاد دولت در کنار بدنه اجتماعی فعال در مقابله با جنگ ترکیبی از اهمیت برخوردار است، دولتی توسعه گرا متناسب با بافت و ارزش های جامعه ایرانی و اسلامی که دارای برنامه مشخص توسعه و پیشرفت، کارآمدی، مشروعیت و کیفیت بالا و همچنین اقتدار و استقلال متکی به جامعه^۵ بوده و توانایی گسیل سینرژیک را داشته باشد.

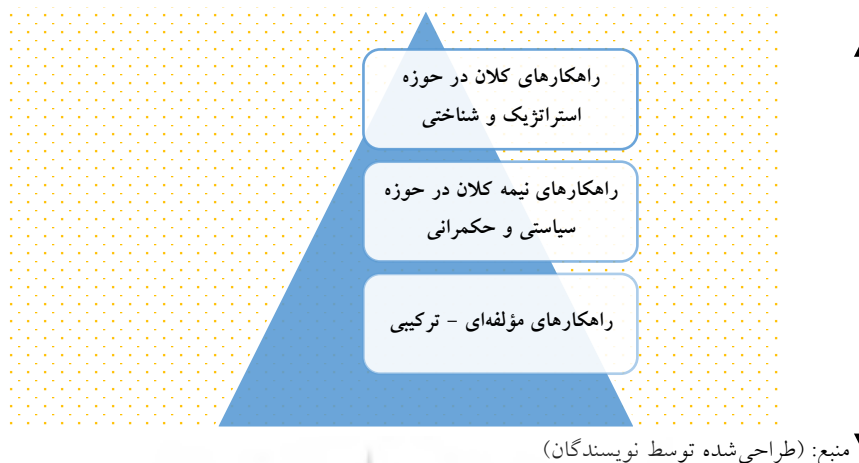
1. European Centre of Excellence for Countering Hybrid Threats in Helsinki
2. Coordinated and Synchronized Action
3. Accurate Multi-Domain Situational Awareness

۴. این مهم به نوعی نیز در آیات و روایات اسلامی مورد اشاره قرار گرفته است. شاید مسئله وحدت و یکپارچگی در آیات قرآنی و روایات اسلامی را بتوان در همین راستا مورد توجه قرار داد، فرایندی که می تواند در ممانعت از شکل گیری نیروی هم افزای دشمن علیه جامعه اسلامی و همچنین ممانعت از هدررفت و پراکنده سازی توان جامعه اسلامی کمک کند.

5. Embedded Autonomy

برای مطالعه بیشتر در زمینه استقلال متکی به جامعه و جامعه شناسی دولت نهادی رجوع شود به: (حبیبی، ۱۳۸۹).

شکل شماره ۲- شبکه راهکارهای مقابله با جنگ ترکیبی غرب علیه جمهوری اسلامی ایران



نتیجه‌گیری

راهکارهای مقابله با جنگ ترکیبی غرب در سه چارچوب وضعیتی، روشی و رویکردی مورد بررسی و پردازش قرار گرفت. توجه به هم‌بسته بودن این سه چارچوب در طراحی راهکارهای کلان، نیمه کلان و خُرد از اهمیت زیادی برخوردار است. در راهکارهای کلان، محوریت اساسی با بازیابی نقش ایران در جهان جدید است، فرایندی که از ترکیب سینرژیک دو مؤلفه مهم ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک نشأت می‌گیرد و بر اهمیت ارائه ایده و روایت ایرانی از ساختار و نظم جدید جهان تأکید دارد. در راهکارهای نیمه کلان، محوریت اساسی بر بازبینی نهادی ساختارهای حکمرانی ایرانی و گذار از نظام حکمرانی نفتی به نظام شبکه‌ای و شفاف قرار دارد، وضعیتی که در آن تلاش برای حکمرانی مشارکتی بر پایه ارزش‌های بومی مدنظر است. در راهکارهای خُرد نیز محوریت اساسی مربوط به توانمندی دولت در کنشگری در منطقه خاکستری است به نحوی که بتواند اجزای یک شبکه خاکستری را به صورت هدفمند راهبری کند. اتخاذ نگاه سیستمی و پیچیده متناسب با محیط آشوب به این مراحل و دوری از نگاه غیرسیستمی و خطی از ضرورت‌های موفقیت در این فرایند پیچیده است. بنا بر فرایند تحقیق، تأسیس آرانس توسعه ایران به نحوی که بتواند رویکردی فرادولتی و تنیده از اقتصاد و امنیت به آینده ایران داشته باشد و منجر به طراحی نقش جدید ایران در دنیای پسانفت شیل شود از اهمیت برخوردار است. در این راستا رویکرد

انطباق تکرارشونده مسئله‌محور در کاربست اجرایی و نظری آژانس توسعه می‌تواند نگاهی ایرانی به نظم جدید جهان را مد نظر قرار دهد، جایی که ایده و روایت ایرانی از جهان آینده و شرکای اصلی ایران مورد پردازش قرار خواهد گرفت.

منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

ORCID

Mohammad Hadi Raji



<https://orcid.org/0000-0002-1742-8922>

Asghar Eftekhari



<https://orcid.org/0000-0001-8326-1190>

منابع

- ترابی‌فرد، میلاد؛ رزم‌آهنگ، مهدی و قاسمی، فرزانه، (۱۴۰۱)، «خنثی‌سازی تحریم و جانمایی جدید اقتصاد ایران در عرصه بین‌الملل به مثابه نقشه راه جدید دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران»، *مجله روابط خارجی*، شماره ۴، صص ۱۴۰ تا ۱۷۵.
- حبیبی، مسعود، (۱۳۸۹)، «جامعه‌شناسی دولت نهادی و توسعه صنعتی در ایران»، *فصلنامه توسعه تکنولوژی صنعتی*، شماره ۱۶، صص ۵۹ تا ۷۰.
- خیرخواهان، جعفر و درودی، مسعود، (۱۳۹۸)، *توانمندسازی حکومت: شواهد، تحلیل و عمل*، تهران: نشر روزنه.
- دانائی‌فرد، حسن و مظفری، زینب، (۱۳۸۷)، «ارتقا روایی و پایایی در پژوهش‌های کیفی مدیریتی: تأملی بر استراتژی‌های ممیزی پژوهشی»، *پژوهش‌های مدیریت*، شماره ۱، صص ۱۳۱ تا ۱۶۲.
- راجی، محمدهادی، (۱۴۰۲)، *الگوی جنگ ترکیبی غرب علیه ج.ا.ا*، رساله دکتری دانشگاه امام صادق (ع).
- رئیسی‌نژاد، آرش، (۱۴۰۲)، «تنهایی استراتژیک تاریخی ایران و سیاست خارجی غیردولتی: از نفرین جغرافیا تا مخمصه ژئوپلیتیکی»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، شماره ۱، صص ۲۶۹ تا ۳۰۶.
- زمان، میلاد و عادل، محمد، (۱۴۰۰)، «گزارش مسائل نظام حکمرانی از دیدگاه اندیشکده‌ها». مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه جهاد دانشگاهی. <https://iran-bssc.ir>.

- زواری، سید عبدالمجید و همکاران، (۱۴۰۱)، «واقعیات ژئوپلیتیک و الگوی مدیریت بحران هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران»، *جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، شماره ۲، صص ۵۱۷ تا ۵۳۵.
- فرتوک زاده، حمیدرضا و جعفری، روح‌الله، (۱۴۰۱)، «پیچیدگی مرکب؛ رهیافتی برای فهم انفعال حکمرانی»، *بهبود مدیریت*، شماره ۵۷، صص ۱۵۱ تا ۱۸۹.
- قربانی زواره، محمدحسین، (۱۳۹۶)، *تراژدی نسل چهارم جنگ*، تهران: مرکز آموزشی و پژوهشی شهید سپهبد صیاد شیرازی.
- کوچکی بادلانی، سجاد، (۱۳۸۹)، «بررسی و شناخت تهدیدات ترکیبی از منظر جنگ مدرن»، *مطالعات دفاعی/استراتژیک*، شماره ۴۰، صص ۱۷۹ تا ۲۰۸.
- گوهری مقدم، ابوذر و انصاری بارده، رضا، (۱۴۰۰)، «تقابل آمریکا و چین در ابتکار کمربند و راه و بررسی نقش ایران»، *فصلنامه روابط خارجی*، شماره ۲، صص ۲۰۹ تا ۲۳۱.
- لشکریلوکی، مجتبی، (۱۴۰۱)، *استراتژی توسعه ایران: پاسخ به دو سؤال: چرا ایران عقب ماند؟ چگونه پیشرفت کنیم؟ تهران: فرهنگ صبا*.
- لطفی، میلاد و صفوی، سیدحمزه، (۱۴۰۱)، «پیامدهای تکمیل راه‌گذر عرب‌مدیرانه و چالش‌های پیش‌روی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام*، شماره ۱۱، صص ۶۴ تا ۹۲.
- محسنیان‌راد، مهدی، (۱۳۹۸)، *رسانه‌شناسی*، تهران: سمت.
- محسنیان‌راد، مهدی، (۱۴۰۰)، *ارتباط‌شناسی*، تهران: سروش.
- محمدی ایوانکی، محسن، (۱۴۰۱)، «مروری بر شکل‌گیری ادبیات دولت توسعه‌گرا؛ بازاندیشی در نقش و اهمیت آژانس‌های راهبر»، *گزارش دفتر اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی*، شماره مسلسل ۱۸۲۳۶.
- محمدی نجم، سید حسین، (۱۳۸۷)، *جنگ شناختی بعد پنجم جنگ*، تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی - مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- مسرور، محمد، (۱۴۰۱)، «معماری ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی و مسئله توسعه ایران: دستاوردها و چالش‌ها». *ماه‌نگار راهبردی دیده‌بان امنیت ملی پژوهشکده مطالعات راهبردی*، شماره ۱۳۱، صص ۴۷ تا ۵۵.
- مک‌کالو، تیموتی و جانسون، ریچارد، (۱۳۹۵)، *جنگ ترکیبی*، ترجمه احمد الهیاری و گروه مترجمین سازمان جهاد خودکفایی نزاچا تحت نظارت سید مسعود رضا زواره‌ای، تهران: انتشارات دافوس آجا.

References

- Andrews, M; Pritchett, L. & Woolcock, M, (2017), *Building State Capability: Evidence, Analysis, Action*, Oxford University Press.
- Bazarkina D. Y, (2022), "Countermeasures for Hybrid Threats: The Experience of the European Union and Its Member States", *Herald of the Russian Academy of Sciences*, No. 92 (Suppl 4), 315–320.
- Chivvis, C. S, (2017), *Understanding Russian Hybrid Warfare*, Rand Corporation.
- Coffey, L, (2019), "How to Defeat Hybrid Warfare Before It Starts" *Defense One*, 21. <https://www.defenseone.com/ideas/2019/01/how-defeat-hybrid-warfare-it-starts/154296>.
- Dabat, A. & Leal, P, (2019), "The Rise and Fall of the United States in Global Hegemony", *Problemas del desarrollo*, Vol. 50, No. 199, 87-114.
- Galeotti, M, (2015), "Hybrid War as a War on Governance", *Small Wars Journal*. August, 19, Retrieved from the: <https://smallwarsjournal.com/jrnl/art/hybrid-war-as-a-war-on-governance>.
- Galeotti, M, (2019), *Russian Political War: Moving Beyond the Hybrid*, London: Routledge.
- Heath, T. R., Gunness, K., & Finazzo, T, (2022), "The Return of Great Power War: Scenarios of Systemic Conflict Between the United States and China", RAND Corporation, available in: https://www.rand.org/pubs/research_reports/RRA830-1.html.
- Hoffman, F. G, (2006), "Complex Irregular Warfare: The Next Revolution in Military Affairs", *Orbis*, Vol. 50, No. 3, 395-411.
- Huovinen, P, (2011), *Hybrid Warfare—Just a Twist of Compound Warfare, Views on Warfare From the United States Armed Forces Perspective*, Helsinki: National Defense University.
- Jordan, J, (2020), "International Competition Below the Threshold of War: Toward a Theory of Gray Zone Conflict", *Journal of Strategic*

Security, Vol. 14, No. 1, 1–24. <https://www.jstor.org/stable/26999974>.

- Keršsanskas, V, (2020), “Deterrence: Proposing a More Strategic Approach to Countering Hybrid War”, *Hybrid Coe*, Paper 2. March 2020, https://www.hybridcoe.fi/wp-content/uploads/2020/07/Deterrence_public.pdf.
- McConnell, A, (2015), “What is Policy Failure? A Primer to Help Navigate the Maze”, *Public Policy and Administration*, Vol. 30, No. 3-4, 221-242.
- Qureshi, W. A, (2020), *The Rise of Hybrid Warfare*, Notre Dame J: Int'l Comp. L., (10).
- Reichborn-Kjennerud, E. & Cullen, P, (2016), *What is Hybrid Warfare?*, Norwegian Institute for International Affairs (NUPI).
- Rühle, M. & Roberts, C, (2019), “NATO’s Response to Hybrid Threats. In M. Ozawa (Ed.), *The Alliance Five Years after Crimea: Implementing the Wales Summit Pledges*”, (61-70). *NATO Defense College*. <http://www.jstor.org/stable/resrep23664.11>.
- Staerklé, C, (2015), “Political Psychology”, *International Encyclopedia of Social and Behavioral Sciences*, No. 18, 427-433.

In Persian

- Danaifard, Hassan & Mozafari, Zainab, (1387), “Improving Validity and Reliability in Qualitative Management Research: a Reflection on Research Audit Strategies”, *Management Research*, No. 1, PP. 131 to 162. [In Persian]
- Fartukzadeh, Hamidreza & Jafari, Ruhollah, (1401), “Compound Complexity; An Approach to Understanding Governance Passivity”, *Management Improvement*, No. 57, pp. 151–189. [In Persian]
- Ghorbanzavareh, Mohammad Hossein, (1396), *The Tragedy of the Fourth Generation of War*, Tehran: Educational and Research Center of Martyr Lieutenant General Sayad Shirazi. [In Persian]

- Gohari Moghadam, Abuzar & Ansari Bardeh, Reza, (1400), "The Confrontation Between America and China in the Belt and Road Initiative and Iran's Role", *Foreign Relations Quarterly*, No. 2, PP. 209 - 231. [In Persian]
- Habibi, Massoud, (1389), "Sociology of Institutional Government and Industrial Development in Iran". *Industrial Technology Development Quarterly*, No. 16, pp. 59 to 70. [In Persian]
- Khairkhahan, Jafar & Daroudi, Massoud, (2018), *Government Empowerment: Evidence, Analysis and Practice*, Tehran: Rozeneh Publishing House. [In Persian]
- Kochi Badlani, Sajjad, (1389), "Investigating and Recognizing Hybrid Threats from the Perspective of Modern Warfare", *Strategic Defense Studies*, No. 40, PP. 179 - 208. [In Persian]
- Lashkarbaluki, Mojtabi, (1401), *Iran's Development Strategy: Answer to Two Questions: Why Did Iran Fall Behind? How to Improve?* Tehran: Farhang Saba. [In Persian]
- Lotfi, Milad & Safavi, Seyed Hamzeh, (1401), "The Consequences of the Completion of The Arab-Mediterranean Passage And the Challenges Facing the Islamic Republic of Iran". *Quarterly Journal of Fundamental and Applied Studies of the Islamic World*, No. 11, PP. 64 - 92. [In Persian]
- Mohsenianrad, Mehdi, (2018), *Media Studies*, Tehran: Samt. [In Persian]
- Mohsenianrad, Mehdi, (1400), *Communication Studies*, Tehran: Soroush. [In Persian]
- Mohammadi Ivanaki, Mohsen, (1401), *An Overview of the Formation of Developmental State Literature; Rethinking the Role and Importance of Leading Agencies*. Report of the Economic Office of the Research Center of the Islamic Council, Serial Number 18236. [In Persian]
- Mohammadi Najm, Seyed Hossein, (1387), *Cognitive Warfare is the Fifth Dimension of War*, Tehran: Future Research Center of Defense Science and Technology - Educational and Research Institute of Defense Industries. [In Persian]

- Masrouf, Mohammad, (1401), "The Geopolitical Architecture of the Islamic Republic And the Issue of Iran's Development: Achievements and Challenges", *The Strategic Monthly Planner of the National Security Observatory of the Strategic Studies Research Institute*, No. 131, PP. 47 - 55. [In Persian]
- McCullough, Timothy & Johnson, Richard, (1395), *Hybrid War*. Translated by Ahmad Al-Hayari and the Group of Translators of Nazaja Self-Sufficiency Jihad Organization Under the Supervision of Seyed Masoud Reza Zavarei, Tehran: Dafos Aja Publications. [In Persian]
- Raji, Mohammad Hadi, (1402), *The Pattern of Hybrid Warfare of the West Against IRI*. Doctoral Dissertation of Imam Sadiq University (AS).
- Raisinejad, Arash, (1402), "Iran's historical Strategic Loneliness and Non-State Foreign Policy: from Geography's Curse to Geopolitical Predicament", *Geopolitics Quarterly*, No. 1, PP. 269 to 306. [In Persian]
- Torabifard, Milad; Razahang, Mehdi & Ghasemi, Farzan, (1401), "Neutralization of Sanctions and New Positioning of Iran's Economy in the International Arena as a New Road Map of Economic Diplomacy of the Islamic Republic of Iran", *Journal of Foreign Relations*, (4), 140-175. [In Persian]
- Zaman, Milad & Adeli, Mohammad, (1400), *Report on Governance System Issues from the Perspective of Think Tanks*, Center for Empowerment of Governance and Academic Jihad Society. [In Persian]
- Zawari, Seyed Abdul Majid et al., (1401), "Geopolitical Realities and the Nuclear Crisis Management Model of the Islamic Republic of Iran", *Geography and Regional Planning*, No. 2, pp. 517-535. [In Persian]

استناد به این مقاله: راجی، محمد‌هادی و افتخاری، اصغر، (۱۴۰۴)، «راهکارهای مقابله با جنگ ترکیبی غرب علیه

جمهوری اسلامی ایران»، پژوهش‌های راهبردی سیاست، دوره ۱۴، شماره ۵۲، ۱۱۷-۱۵۴

Doi: 10.22054/QPSS.2024.77068.3350



Quarterly of Political Strategic Studies is licensed under a Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International License